

بازنمایی جشن نوروز در آثار سفرنامه‌نویسان اروپایی (آلمان، فرانسه، انگلیس)

در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۲۴ ه.ق)

سید هاشم آقاجری<sup>۱</sup>

کامران حماني<sup>۲</sup>

### چکیده:

سرزمین ما ایران، به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی و استراتژیک، در درازای تاریخ تمدن کهن خود، بارها و بارها مورد تهاجم و یورش اقوام بدوی و چادرنشین قرار گرفته که اکثر این قبایل ارتجاعی‌ترین و عقب مانده‌ترین فرهنگ زمان خود را داشته‌اند. اما با وجود این تهاجمات، با توسل به ترفندهای گوناگون از دستاورد-های فرهنگی و علمی نیاکان خود در گذشته‌های دور و نزدیک دفاع کرده است. یکی از دستاوردهای فرهنگی نیاکان ما نوروز است. این جشن باستانی از همان آغاز ایجاد آن به وسیله جمشید تا امروز در میان ایرانیان با شور و شوق خاصی برگزار شده است. نوشته حاضر، با تأکید بر آثار سفرنامه نویسان اروپایی، عمدتاً بر محور تاریخی و مردم‌شناسی جشن نوروز در دوره قاجار می‌چرخد. بر همین مبنا به بررسی و تجزیه و تحلیل توصیفات این سفرنامه نویسان درباره جشن نوروز و علاقه ایرانیان به تاریخ و میهن خود در دوره قاجار، پرداخته شده است.

**کلمات کلیدی:** جشن نوروز، فرهنگ ملی، دوره قاجار، اروپاییان، سفرنامه.

۱. استادیار تاریخ دانشگاه تربیت مدرس. [h\\_aghajari@yahoo.com](mailto:h_aghajari@yahoo.com)

۲. کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه تربیت مدرس. [kamranhamani@yahoo.com](mailto:kamranhamani@yahoo.com)

## مقدمه:

در جهان هیچ جامعه، قوم، ملت، امت و طایفه ای را نمی‌توان یافت که جشن یا عیدی خاص نداشته باشند. جشن‌های هر جامعه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: جشن‌های کهن و اساطیری، جشن‌های تاریخی و ملی، جشن‌های دینی و مذهبی، جشن‌های فصلی و دهقانی، جشن‌های سیاسی و سرانجام جشن‌های خصوصی و دهقانی که ناگزیر بسیاری از آنها نمی‌تواند به تناسب موضوع و منطقه، در همه کشورها و جامعه‌ها با رسم و آئین‌های یکسانی برگزار شود. مردم ایران ما سنت‌های دیرینه‌ای دارند که علی‌رغم صدها جنگ، هنوز با قوت و قدرت تمام به شکوفایی خود ادامه می‌دهند. این سنت‌های کهن، بزرگترین مایه دلخوشی و همبستگی ملتی بزرگ به نام ایران در سراسر گیتی است. این سنتها و مراسم به همراه آثار و سرمایه‌های درخشان یک تمدن کهن، تنها چیزهای باقی مانده از یک هویت ملی است.

باورهای ایرانیان به زندگانی صلح‌آمیز و آشتی‌جویانه و احترام به پدیده‌های طبیعت، در سراسر آثار ادبی و هنری و معماری آنان به چشم می‌خورد و شیوه برگزاری جشن‌های آنان نیز از همین باور دیرین سرچشمه می‌گیرد. تقریباً همگی جشن‌های ایرانی برگرفته از رویدادهای کیهانی و طبیعی بوده و دستورهای خاص قومیتی و دینی نیست.

سؤال‌های مورد نظر این تحقیق را می‌توان به شرح زیر چنین برشمرد:

۱. سفرنامه نویسان اروپایی (فرانسه، انگلیس، آلمان)، جشن نوروز را در دوره

قاجار چگونه توصیف کرده‌اند؟

۲ . نوع نگاه این سفرنامه‌نویسان نسبت به جشن نوروز چگونه بوده است؟  
در مقام پاسخ به این سؤالات نیز می‌توان این فرضیات را مورد توجه قرار داد:

۱ . سفرنامه نویسان اروپایی به بیستر رسومات ایرانیان در برپایی جشن نوروز توجه داشته‌اند.

۲ . نوروز را به عنوان میراث باستانی ایرانیان پذیرفته و آن را مورد ستایش قرار داده‌اند.

روش تحقیق انجام شده در این پژوهش از نوع نظری و مبتنی بر شیوه توصیفی-تحلیلی است که برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های لازم، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

### نوروز در دوره قاجار

هرچند به دلیل قمری بودن سال رسمی در دوره قاجار، اول نوروز آغاز سال رسمی ایران نبود اما این جشن از سوی قاجارها به گستردگی برگزار می‌شد. (فووریه، ۱۳۶۲: ۲۳۳) در بعضی از سفرنامه‌های دوره قاجار به نوروز به عنوان جشن ملی ایرانیان توجهی خاص مبذول شده و مراسم‌ها و جشن‌هایی که در میان مردم و همچنین در دربار قاجار برگزار می‌شد را به طرز زیبایی توصیف کرده‌اند. از آن روزگاری که ایرانیان پیرو آیین زردشت شده‌اند، آغاز اعتدال ربیعی و اولین روز بهار را آغاز سال جدید می‌دانند. (فریزر، ۱۱۵: ۱۳۶۴). مطابق

افسانه‌های ایرانی بنیان‌گذار نوروز، جمشید اولین قهرمان نژاد ایرانی است. این روز در هر گوشه ایران به عنوان عید ملی واقعی در نظر گرفته می‌شود و برای هر خانواده ایرانی جشن بزرگی است. (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۲۹).

درووئل سفرنامه‌نویس فرانسوی درباره اهمیت و قدمت عید نوروز می‌گوید: «نوروز یا سال نو ایرانیان روز تحویل آفتاب به برج حمل است. مراسمی که بدین مناسبت برگزار می‌شود از زمان زردشتیان باستان تاکنون حفظ شده است و به گمان من نظیر چنین عیدی در تمام مشرق زمین وجود ندارد.» (درووئل، ۱۳۶۷: ۱۳۵).

نوروز برای همه اقشار جامعه ایران از اهمیت بالایی برخوردار بوده است به بیان هنریش بروگش سفرنامه نویس آلمانی، کلمه نوروز برای همه ایرانیان یک کلمه سحرآمیز و معجزه‌آسا است. با شنیدن آن قلب همه می‌تپد و چهره همه خندان می‌شود و به یاد آن و به امید نوروز آینده که روزگار بهتری داشته باشند، تمام گرفتاری‌ها و مشکلات کنونی خود را تحمل می‌کنند و تمام سال را در آرزوی رسیدن نوروز هستند. (بروگش، ۱۳۶۷: ج ۲، ۶۱۹).

ایام نوروز شادی و سرور خاصی همه را فرا می‌گیرد همسایه‌ها با هر درجه و مقامی این عید را به یکدیگر تبریک می‌گویند و این یک سنت باستانی است که بیش از دو هزار سال در ایران رواج دارد و در طول این سالیان هیچ واقعه‌ای نتوانسته است این پیشامد ملی را از بین ببرد و مردم با هر عقیده و دین و مذهبی نوروز را جشن می‌گیرند. (همان، ۶۲۰) بنابراین این سنت

کهن باستانی یک فاکتور مهم در پیوند و اتحاد مردم ایران - با وجود اختلاف طبقاتی و تنوع در دین و زبان - در زمان قاجار بوده است. از جمله عادات پسندیده ایرانیان در هنگام نوروز، خانه‌تکانی بود. مردم چند روز پیش از عید به پاکیزه کردن خانه‌ها و فرش‌تکانی می‌پرداختند. معمولاً خانه‌تکانی سالی یک بار انجام می‌شد و آن هم در هنگام نوروز انجام می‌گرفت. (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۵۵) هنریش بروگش درباره خریدهای نوروزی مردم توصیف جالبی دارد: «به هنگام نوروز بازارها و خیابانها شلوغ می‌شود و مردم لباس می‌خرند و می‌پوشند، خرید و معامله می‌کنند. از دکانها بسته‌های شیرینی و آجیل می‌خرند و با خود می‌برند و همه اشتیاق زیادی به خرید پیدا می‌کنند و برای فرا رسیدن نوروز آماده می‌شوند. تجار چشم امیدشان به نوروز است که بتوانند اجناس خود را به فروش برسانند.» (بروگش، ۶۱۹).

یکی از راههای سیطره غرب بر اقتصاد ایران در دوره قاجار شناسایی کانالهای فرهنگی جامعه ایرانی و نفوذ از طریق آن بوده است بنا به نوشته های همین سفرنامه نویس، تجار فرنگی که در این زمان در ایران به سر می‌بردند بهتر از هر خارجی دیگری اهمیت نوروز را می‌دانستند زیرا اغلب معاملات بزرگ آنها در این ایام انجام می‌گرفت. (همان) بنابراین اهمیت نوروز برای تجار فرنگی کمتر از تجار ایرانی نبوده است و آنها با آشنایی به این مسئله که قبل از نوروز ایرانیان به خریدهای گسترده می‌پردازند، کالاهای خود را به ایران سرازیر می‌کردند و این

موضوع در زمینه اقتصادی کاملاً به ضرر ایران بود و بازرگانان و تجار داخلی توانایی رقابت با همتایان فرنگی خود را نداشتند و این رقابت نابرابر باعث مقروض شدن آنها می‌شد.

عبدالله مستوفی درباره آداب و رسوم قبل از نوروز ایرانیان می‌نویسد: «در عید نوروز مردم از طبیعت تقلید کرده به همه چیز زندگی نو و تازگی می‌دادند. ظروف مسی خانه حکماً به سفیدگری فرستاده می‌شد. باید مس‌ها برای روز عید رویگری شده و براق و درخشان باشد. آب حوض و آب انبار خانه را حکماً عوض می‌کردند... فرش‌ها را تکان داده گرد دیوار اتاق‌ها را اگر گل سفید نزنده بودند، می‌گرفتند و قبل از تحویل خورشید به برج حمل، رخت‌های نو را پوشیده، سر سفره عید می‌رفتند.» (مستوفی، ۱۳۷۱: ۳۵۴)

بزرگترین نماد نوروز سفره هفت سین می‌باشد. ایرانیان سفره هفت سین را از ضروریات آغاز سال نو می‌دانند که عبارتند از: ماهی - از سین لغت عربی سمک گرفته شده است - سیب، سیر، سبزی، سرکه، سنجد و سنگک. (اوبن، ۳۳۰) بعد از آن دید و بازدیدها شروع می‌شود. مردم به دیدن همدیگر می‌روند و سال نو را به همدیگر تبریک می‌گویند.

نوروز با وجود همه زیباییهایش در بعضی جنبه‌های اقتصادی خانواده‌های ایرانی در دوره قاجار نقش منفی بازی می‌کرد. بعضی از رؤسای خانواده‌ها برای خرید نوروز باید همه امکانات خود را تجهیز می‌کردند و حتی وامدار هم می‌شدند تا این احتیاج خانواده خود را تامین کنند. (پولاک، ۲۵۳) علاوه بر آن در تمام این مدت سیزده روز که در

بعضی شهرها پانزده روز هم طول می‌کشید همه جا تعطیل و بازارها بسته بود و حتی کارگرها هم کار نمی‌کردند. (دروویل، ۱۳۵) گوینو می‌گوید «بزرگترین مواقع روزهای اول سال است که مردم برای تامین هزینه‌های عید نوروز احتیاج به پول دارند به طور کلی در تمام موارد سرور و شادمانی یا عزاداری، و خدا می‌داند که تعدا این روزها و به خصوص ایام جشن و سرور نزد ملتی که بزرگترین مشغولیاتش تفرح است چقدر زیاد است، مردم شهرنشن ایران ر جستجوی پول هستند.» (گوینو ۱۳۸۳: ۲۸۲)

موضوع قابل توجهی که سفرنامه نویسان سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان به آن اشارات زیادی کرده‌اند عیدی گرفتن درویشان از ثروتمندان و طبقات بالاست. دو سه هفته قبل از نوروز درویش‌ها از اطراف و اکناف مملکت به شهرها سرازیر می‌شدند و خود را به رئیسشان موسوم به درویش‌باشی معرفی می‌کردند تا از طرف وی به خانه‌های مردم ثروتمند فرستاده شوند. (پولاک، ۲۵۵) چارلز جیمز ویلس انگلیسی در مورد عیدی گرفتن درویشان می‌گوید: «هیچ فصلی از فصول مانند عید نوروز به درویشان خوش نمی‌گذرد و در هیچ ایامی مانند ایام عید آنها نمی‌توانند تحصیل پول بنمایند. در ایام عید هریک از ایرانیان هر درویشی را که در معبر و یا در محلات شهر ببیند خود را مجبور می‌داند که مقدار معینی پول به او بدهد. علاوه بر آن هریک از درویش‌ها معتاد برآندند که در ایام عید نوروز هرکدام یکی از رجال و متمولین آنجا را

انتخاب نموده و در درب عمارت او چادر محقری زده و به قدری یاحق یاحق می‌گوید که صاحبخانه نظر به لیاقت خود مقدار معینی پول به او بدهد. «(ویلس، ۱۳۶۶: ۱۶۵) اوژن اوبن فرانسوی نیز این رسم نوروزی را با کمی اختلاف بیان می‌کند بدین ترتیب که، با فرا رسیدن نوروز که اولین روز سال ایرانی است، درویش‌های تهران در خانه رئیس صنفشان نقیب‌الممالک گرد هم می‌آیند و هر کدام خانه شخصیتی را نشان می‌کنند تا به مناسبت نوروز از صاحبخانه حق و حساب بگیرند. آنگاه هر درویشی پوست و پلاس خود را در محل تعیین شده پهن می‌کند و برای دریافت مقرری سالانه آماده می‌گردد. (اوبن، ۲۵۵) البته ناگفته نماند در رسم عیدی گرفتن و عیدی دادن سایر طبقات جامعه نیز سهمیم بودند. (بروگش، ۶۲۱)

از زمان‌های بسیار قدیم شاهان ایرانی در این روز با جاه و جلالی خاص جشن می‌گرفتند. مراسم نوروز در دربار قاجارها نیز شکوه خاصی داشت. حلول سال نو را منجم دربار مشخص می‌کرد در این جشن که سه روز طول می‌کشید (دروویل، ۱۳۵) مراسم‌های خاصی از جمله مراسم سلام، عیدی دادن به شاه قاجار و عیدی گرفتن از او و... برگزار می‌شد. در دربار قاجار آغاز سال نو را حتی در نیمه‌شب با سلام خاص - سلام بزرگ - جشن می‌گرفتند که فقط شاهزادگان بلافضل، علما، سادات، مامورین عالی مقام و چند نفر از افسران به آن مراسم شرکت دعوت می‌شدند. (گوینو، ۲۷۳). در ادامه این مراسم شاه سکه‌های را که به مناسبت



سال نو ضرب شده بود به اطرافیان و بزرگان کشور هدیه می‌داد. (دروویل، ۱۳۶) ناصرالدین‌شاه قاجار اهمیت زیادی به عید نوروز می‌داد به طوری که مراسم آغاز سال نو را حتی در نیمه شب جشن می‌گرفت. (پولاک، ۲۵۵) در تایید این مطلب باید به نوشته‌های عبدالله مستوفی اشاره کرد. وی می‌نویسد: «گاهی اوقات ساعت تحویل سال در نیمه‌های شب اتفاق می‌افتاد و همه بزرگان و صاحب‌منصبان نمی‌توانستند در مراسم شرکت کنند ولی با این حال رسم سلام منعقد بود منتهی فقط شاه و برخی از افراد خاص حاضر بودند و تا هر وقت شب که بود می‌بایست بیدار بمانند تا رسم سلام ساعت تحویل متروک نشود.» (مستوفی، ۳۵۲)

البته یکی از دلایل این توجه هدایایی زیادی بود که در جشن نوروز نصیب شاه می‌شد. آغاز سال نو نیز با شلیک توپ اعلام می‌شد. (موریه، ۱۳۸۶: ۲۴۱، بروگش، ۱۳۷۴: ۱۵۵) دکتر فووریه طبیب مخصوص ناصرالدین شاه درباره ملاقات شاه با مردم در عید نوروز می‌نویسد: «تعیین زمان دقیق نوروز بر عهده منجم باشی شاه بود. پس از اینکه فرارسیدن نوروز توسط منجم باشی اعلام گردید مردم اقدام به دید و بازدید از یکدیگر می‌کردند. از جمله این ملاقات‌ها دیدار با شاه بود که به آن رسم سلام یا بار عام شاهانه گفته می‌شود بنا بر این رسم همه مردم از طبقات مردم و درباریان و سفرای خارجی در محوطه حیاط یکی از کاخ‌های شاه واقع در ارگ سلطنتی جمع می‌شدند تا با ناصرالدین شاه دیدار کنند. شاه نیز برای

حاضرین صحبت می‌کرد و ضمن تبریک سال نو، آرزوی سالی خوب و پربرکت برای مملکت و همگان می‌نمود. « (فووریه، ۲۳۳)

در یکی از روزهای آینده ملکه مادر نیز مراسم سلام زنانه‌ای در محدوده خود برپا می‌کرد که شاهزاده‌خانم‌ها و اطرافیانشان در آن شرکت داشتند و ضمناً از خانم‌های سفرای اروپایی نیز دعوت به عمل می‌آمد. (پولاک، ۲۶۲)

اما پیشکش‌های نوروزی که به شاه تقدیم می‌شد بسیار زیاد بود. لرد کرزن در این باره می‌گوید: « مبالغی که حضرت شهریار در عید نوروز برای رفع رنجش و کدورت خاطر شاهانه یا ابراز عنایت ملوکانه دریافت می‌نمود، سابقاً از اقلام عمده درآمد شاهی به شمار می‌رفت. » (کرزن، ۱۳۶۲: ۵۷۰) گاسپار دروویل فرانسوی نیز هدایایی که در عید نوروز به شاه قاجار اهدا می‌شد را ده میلیون فرانک برآورد کرده است. (دروویل، ۱۳۵) اما شاه در عوض به تمام اهل حرم و خدمه بی‌حد و حصر خود و همچنین به کلیه حکام و دولتمردان خلعت می‌بخشید. (موریه، ۲۴۰) علاوه بر آن نوروز موقع ارتقا دادن درجه کارکنان دولت نیز بود. تمامی دارندگان مشاغل عمده کشور یا تغییر می‌یافتند یا تثبیت می‌شدند. (پولاک، ۳۵۴) در بقیه روزها شاه به دیدار مهمترین روحانیان شهر می‌رفت و آنها از وی با سادگی تمام پذیرایی می‌کردند. (همان، ۲۶۳)

از مسائل مهمی که باید به آن توجه کرد آمیختگی فرهنگ اسلامی با فرهنگ ایرانی بخصوص در زمینه عید نوروز است در آثار

سفرنامه نویسان خارجی به این موضوع به مراتب بیشتر از سایر رسوم نوروز توجه شده است. البته پاره‌ای از گزارشات بعضی از سفرنامه نویسان با هم متناقض است اما جدای از این تناقضات، هدف آنها بیان این ویژگی مهم نوروز بوده است. اوژن اوبن فرانسوی در مورد این درهم آمیختگی دو فرهنگ اسلامی و ایرانی می‌گوید: «مذهب تشیع جامه ای از خصوصیات اسلامی را نیز بر قامت آن- نوروز- اخبار و احادیثی پیدا کرده که مطابق آن‌ها این روز مصادف با خلقت آدم است.» (اوبن، ۳۲۹) اما هنریش بروگش آلمانی معتقد است، دلیلی که شیعیان برای ادامه این جشن اقامه کردند این بود که خاطره فتح حضرت علی که بخصوص مورد اکرام ایرانیان است باید جشن گرفته شود. در نتیجه نوروز تنها جشنی است که شیعیان و زردشتیان ساکن ایران آن را مشترکاً برگزار می‌کنند. (بروگش، ۶۲۶).

از جمله رسومات دیگری که در ایام نوروز در میان ایرانیان در دوره قاجار رایج بود گفتن تبریک و تهنیت بود. از جمله این تبریکات «صد سال به این سالها در حمایت امام زمان» بود که این موضوعی ارتباط نزدیک فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی را نشان می‌دهد. رفتن به زیارت امامزاده‌ها نیز از آداب دینی نوروز است. مردم معتقد بودند که هر نذر و نیازی که در این روز در امامزاده‌ای به عمل آید محققاً مستجاب خواهد شد. در ایالتها نیز به جای شاه، تصویر او را همراه با شمایل

پیامبر، حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین که دور سرشان را هاله‌ای از نور احاطه کرده بود، می‌گذاشتند. (اوبن، ۲۳۰)

این آمیختگی فرهنگی در زمان، مقارن شدن نوروز با ماه محرم یا ماه رمضان خود را بیشتر نشان می‌داد ایرانی‌ها در صورتی که نوروز با ماه رمضان مقارن می‌شد، روزه ماه رمضان را نگاه می‌داشتند. ادوارد پولاک آلمانی در این زمینه می‌گوید: «هرگاه نوروز با ماه رمضان مصادف می‌گردد، دیگر شب‌ها را به خوش‌گذرانی صرف می‌کنند و روز را روزه نگاه می‌دارند. زیرا هرچه در طی این جشن‌ها به تسامح و تساهل گرایش دارند باز روزه داشتن را که از اصول اساسی اسلام است حرمت می‌گذارند و رعایت می‌کنند.» (پولاک، ۲۵۸)

زمانی که عید نوروز با مراسم عزاداری امام حسین (ع) مقارن می‌شد ایام نوروز به احترام شهادت امام حسین عاری از شکوه و جلال همیشگی بود و کاملاً به سادگی برگزار می‌شد. (اوبن، ۳۳۱)

روز سیزدهم نوروز را سفرنامه نویسان آلمانی روزی نحس از نگاه ایرانیان دانسته‌اند. هنریش بروگش علت این نحوست را اینچنین بیان می‌کند: «یکی از روزهای بسیار نحس سال، روز سیزدهم ماه فروردین است. ایرانیان معتقدند که در این روز که به آن سیزده بدر می‌گویند، نباید در خانه ماند چون ممکن است نحوست آن دانگیر صاحبخانه شود.

لذا همه مردم از شهرها و روستاها خارج شده و به صحرا می‌روند تا این روز را در هوای آزاد و در زیر سقف آسمان بگذرانند. در این روز نباید ناراحت بود بلکه باید خوش گذراند تا اینکه دیوهای که در خانه هستند بهانه‌ای برای آسیب رساندن به صاحبخانه و اعضای خانواده‌اش نداشته باشند.» (بروگش، ۱۳۸؛ مالکم، ۱۳۶۲: ۲۳۹) ادوارد پولاک نیز معتقد است که مطابق رسم کهن گویا تمام خانه‌ها در چنین روزی معرض خطر ویرانی هستند به همین دلیل همه از دروازه شهر خارج و به باغ‌ها می‌روند. (پولاک، ۲۶۵) نظر پولاک با هموطنش تفاوت چندانی ندارد اما اوژن اوبن فرانسوی بیرون رفتن مردم از خانه‌های خود و گشت و گذار در اطراف شهر را به این دلیل می‌داند که مردم می‌خواهند تازه شدن طبیعت را جشن بگیرند. (اوبن، ۳۳۲)

### علاقه ایرانیان به تاریخ خود:

ایرانیان در دوره قاجار علاقه زیادی به تاریخ پیش از اسلام داشتند اما این به آن معنا نبود که از وقایع تاریخی آن دوران به صورت منظم آگاهی داشته باشند بلکه به شخصیت‌های افسانه‌ای دوران قبل از اسلام ابراز علاقه می‌کردند بدون آنکه دوره زندگانی آنها را بدانند. البته هنریش بروگش آلمانی علت این ناآگاهی را در آثار شاعران و نویسندگان ایرانی می‌داند: «رویدادها و شرح حال شخصیت‌های تاریخی که از قرن دهم میلادی به بعد در آثار شاعران و نویسندگان این کشور مانند

شاهنامه فردوسی ظاهر می‌شوند بقدری با روایات افسانه‌آمیز و شاعرانه درآمیخته و تغییر یافته‌اند که حتی شناختن کوروش سرسلسله پادشاهان هخامنشی هم غیرممکن است.» (بروگش، ۱۷۸) ادوارد پولاک در مورد علاقه و تلقی ایرانیان از تاریخ ایران سخنان جالبی دارد: «ایرانی بیش از جغرافیا به تاریخ رغبت دارد اما نه به محل وقوع حادثه عنایت می‌کند نه به هنگام رخ دادن آن. فقط شخصیت‌ها برایش جاذبه دارد و بدین ترتیب است که تمام معلومات تاریخی وی بسته به اشخاص معینی است که نسبت به سرنوشت آنها اعم از نیک و بد ابراز علاقه می‌کند. تاریخ واقعی از نظر او با اسلام آغاز می‌شود اتفاقات قبل از ظهور اسلام از نظر او در چند افسانه خلاصه می‌شود که فردوسی در داستان‌های پهلوانی خود آورده است. از نبردهای ایرانی‌ها با یونانی‌ها، از سلسله سلوکی‌ها، از پارت‌ها و جنگ‌های درخشان‌شان با رومی‌ها فقط می‌توان گفت بویی شنیده است.» (پولاک، ۱۹۱) هموطن پولاک یعنی هنریش بروگش هم به این نتیجه رسیده است که تحصیلکرده‌های ایرانی - که معمولاً از طبقات بالا بوده‌اند - به تاریخ کشورشان اهمیت زیادی می‌دادند و در صحبت‌هایشان بیشتر به شهرهای اصفهان، شیراز و همدان اختصاص داشته است. بروگش می‌افزاید که صحبت از این سه شهر به خاطر شهرت شراب‌های آنها نیست بلکه قدمت تاریخی این شهرها مد نظر است و جدای از طبقات تحصیلکرده اکثر ایرانی‌ها از تاریخ باستانی اطلاع درستی نداشتند (بروگش، ۱۹۱). گوینوی فرانسوی نیز به اهمیت تاریخ و کتابهای

خطی از نظر ایرانی‌ها توجه خاصی داشته است که سخنان این سفرنامه نویسن جالب و خواندنی است: « ملت ایران عاشق تاریخ کشورش می‌باشد. کافی است بگوییم در کلیه ادوار تاریخی پادشاهان و شاهزادگان جنگجو بوده‌اند که سفیر گسیل می‌داشته‌اند و اعلان جنگ می‌داده‌اند تا یک جلد کتاب بارزش به دست آورند و حفظ نمایند. شاید انگیزه آنان هوس شخصی بوده است ولی وقتی مشاهده می‌کنیم که حکومت فتحعلی‌شاه با چه درد و رنجی کتابهای تاریخی و ادبی را طبق عهدنامه ترکمانچای به روسیه تسلیم کرد و یا اینکه چقدر دشوار است که یک جلد کتاب خطی را از افراد طبقه پایین اجتماع خرید، به علاقه ایرانیان نسبت به کتاب پی می‌بریم. این اشخاص وقتی حاضر به فروش کتب خطی می‌شوند که تحت تاثیر فشار شدید مالی قرار گرفته باشند. کتاب خطی یا چاپی که همواره بر سر آن چانه می‌زنند همواره به نظرشان گران‌بهارترین اثری است که به دست بشر نوشته شده است و ناگزیر همه عقل و نیوغ جهان را در بر دارد در این کشور تاریخ جالبترین موضوع است، برایشان جمشید شکوه و فریبندگی خاصی دارد، رستم قهرمان ملی است.» (گوینو، ۲۱۰ و ۲۱۱).

اینکه چرا تاریخ در نزد ایرانیان به این اندازه اهمیت داشته است به نظر می‌رسد علاوه بر میهن دوستی یک مسئله دیگری در آن دخیل باشد و آن ضعف حکومت قاجار در مقابل قدرتهای خارجی بوده است که باعث شده ایرانیان در این زمینه احساس خلاء کرده و علاقه زیادی به

تاریخ باستان داشته باشند که با آن هم به خوبی آشنا نبودند. والبته بیشتر، قهرمانان ملی ایران که در شاهنامه از آنها ذکری به میان آمده است مورد توجه مردم عامی ایران بوده‌است. از مطالبی که از گوینو نویسنده فرانسوی سفرنامه سه سال در آسیا نقل قول شد دو موضوع قابل استنباط است اول اینکه از نظر فرانسوی‌ها هم تاریخ و کتابهای خطی در نزد ایرانیان از اهمیت فراوانی برخوردار بوده‌اند و دوم اینکه اروپاییان در دوره قاجار علاوه بر سرقت آثار باستانی این مرز و بوم- که تا حدودی ناشی از بی‌کفایتی و ناآگاهی قاجارها بوده است- در زمینه انتقال کتب خطی ارزشمند نیز ید طولایی داشته‌اند! از این رهگذر نیز این حقیقت قابل درک است که نویسنده به دنبال خرید کتابهای ارزشمند خطی بوده که در نهایت آنها را به کشور متبوع خود منتقل کند. البته نباید از یاد ببریم که نویسنده، غنیمت گرفتن کتابهای تاریخی توسط روس‌ها در معاهده ترکمانچای را یادآوری کرده بوده که این نیز یکی از خیانت‌های دولت-های استعمارگر غربی به ملت ایران بوده است که باز هم حکومت قاجار یکی از عوامل موثر در این قضیه بوده است.

### میهن‌دوستی ایرانیان:

در دوره قاجار مردم ایران تعلق خاطر خاصی به میهن خود داشته‌اند اما به نظر می‌رسد این علاقه ریشه در گذشته‌دوستی ایرانیان و یادآوری عظمت ایران در دوران‌های گذشته داشته باشد. هنریش بروگش



آلمانی درباره وطن دوستی ایرانیان می‌گوید: « یکی از صفات تحسین برانگیز ایرانیان اصیل علاقه صمیمانه‌ای است که نسبت به وطن خود دارند، آنان از اینکه وطنشان نقش بزرگ و با اهمیتی در تاریخ داشته احساس غرور می‌کنند و این احساس را از خودی و بیگانه مخفی نمی‌دارند. » (بروگش، ۱۷۸). در زمینه تاریخ دوستی و علاقه به وطن ایرانیان سفرنامه نویسان انگلیسی اظهار نظر آنچنانی نکرده‌اند و به نظر می‌رسد علاقه چندانی به این موضوع نداشته‌اند. اما گوینو فرانسوی نیز در این باره مطالبی دارد که - این اظهارت وی نوعی میهن‌پرستی فرا سیاسی را در ذهن تداعی می‌کند - نقل خواهد شد: « به عقیده من ایرانیان از نوعی میهن‌پرستی برخوردارند که جاودانی است. یکدیگر را در داخل کشورشان دوست دارند و کشورشان را در وجود خودشان مجسم می‌بینند اما با بی-تفاوتی شاهد گذار حکومت‌های گوناگون از فراز سرشان می‌باشند بی‌آنکه فریفته هیچ‌کدام از آنان بشوند و از این نظر می‌توان گفت به کلی عاری از میهن‌پرستی سیاسی هستند. سلطنت‌ها، فتوحات، تسخیر سرزمین‌ها به تدریج قدرتشان را از دست می‌دهند و از بین می‌روند بی‌آنکه به شخصیت فردی ایرانی لطمه زده باشد. » (گوینو، ۲۲۳) و در جای دیگری می‌گوید: « ایرانیان کشورشان را به شدت دوست دارند و آن را دلپذیرترین، حاصلخیزترین و سالم‌ترین کشور روی زمین می‌دانند. » (ایران خوب مملکتی است) این شعاری است که هر روز بر زبانشان جاری می‌-

شود و بی‌اختیار شنونده را تحت تاثیر قرار می‌دهد، زیرا حقیقت بسیاری در آن نهفته است. اما باید اذعان کرد که استقلال ملی برایشان مفهومی ندارد و از دوران بعد از اسلام هرگز به سلسله‌های پادشاهان خود دل بسته نبوده و نیستند.» (همان، ۲۱۳)

### نتیجه‌گیری

یکی از کهن‌ترین جشن‌های بازممانده از دوران‌های بسیار دور، نوروز است. خاستگاه آن را می‌توان در ایران باستان جست‌وجو کرد که با توجه به نوشته‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی، در دوره قاجار شاهد تداوم این جشن بوده‌ایم.

این نویسندگان به بسیاری از رسومات نوروز اشاره کرده و آن را توصیف کرده‌اند. از این رهگذر می‌توان بسیاری از آیین‌های نوروز که در دوره قاجار در ایران معمول بوده است را باز شناخت. با توجه به فاکت‌هایی که در سفرنامه‌ها به دست آمد، متوجه پایداری آیین‌های نوروز در این دوره تاریخی می‌شویم که نشان از استمرار این رسومات در طول تاریخ از آغاز شکل‌گیری این جشن بزرگ بوده است. اما مسئله جالب توجه این است که این سفرنامه‌نویسان رسم روشن کردن آتش در اوایل نوروز را ذکر نکرده‌اند. با مراجعه به منابع داخلی می‌توان دریافت که این رسم به همانند دیگر رسوم نوروز در دوره قاجار برگزار شده و ذکر نکردن آن از سوی سفرنامه‌نویسان ناشی از عدم توجه آن‌ها به این موضوع مهم بوده است. جدای از این رسم به نظر می‌رسد که اروپاییان به همه آیین‌های نوروز توجهی خاص مبذول داشته‌اند و همه آن‌ها را ذکر کرده‌اند.

موضوع دیگر نگاه این نویسندگان به جشن نوروز می‌باشد که در پاره‌ای از موارد این عید باستانی را ستوده‌اند و حتی آن را از بزرگترین اعیاد جهان دانسته‌اند. اما در پاره‌ای از موارد باید گفت به این جشن نگاهی استعمارگونه داشته‌اند و روزهای منتهی به نوروز را زمان به فروش رفتن کالاهای خود در ایران دانسته‌اند چرا که در روزهای آخر سال مردم ایران به خریدهای زیاد اقدام می‌کردند.

### منابع و مأخذ

- (۱) اوین، اوژن. ۱۳۶۲، ایران امروز. ترجمه و حواشی علی اصغر سعیدی [تهران]: زوار.
- (۲) بابازاده، شهلا. ۲۵۳۷، فهرست توصیفی سفرنامه‌های آلمانی موجود در کتابخانه ملی ایران. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- (۳) بروگش، هنریش. ۱۳۶۷، سفری به دربارسلطان صاحبقران. ترجمه مهندس کردبچه [تهران]: اطلاعات. ۲. ج.
- (۴) بروگش، هنریش. ۱۳۷۴، در سرزمین آفتاب. ترجمه مجید جلیل‌وند [تهران]: نشر مرکز.
- (۵) پوراحمد جکتاجی، محمد تقی. ۲۵۳۵، فهرست توصیفی سفرنامه‌های فرانسوی موجود در کتابخانه ملی ایران. تهران: کتابخانه ملی.
- (۶) پولاک، یاکوب ادوارد. ۱۳۶۱، ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاوس جهاننداری [تهران]: خوارزمی.
- (۷) جوانبخت، مهرداد. ۱۳۷۹، ایران از نگاه انیرانی یا خلق و خوی ایرانیان از نگاه سیاحان. تهران: آموزه.
- (۸) دروویل، گاسپار. ۱۳۶۷، سفر در ایران. ترجمه منوچهر اعتمادی مقدم [تهران]: شباویز.

- ۹) فاروقی، فواد. ۱۳۶۱، سیری در سفرنامه‌ها. با مقدمه‌ای از حامد فولادوند. تهران: عطایی.
- ۱۰) فردوسی، ابوالقاسم. ۱۹۷۰، شاهنامه، تصحیح متن با اهتمام رستم علی‌اف، زیر نظر ع. آذر[مسکو].
- ۱۱) فریزر، جیمز بیلی. ۱۳۶۴، سفرنامه فریزر معروف به سفر زمستانی. ترجمه منوچهر امیری [تهران]: توس.
- ۱۲) فووریه، ژوانس. ۱۳۶۲، سه سال در دربار ایران یا خاطرات دکتر فووریه. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. به کوشش همایون شهیدی [تهران]: دنیای کتاب.
- ۱۳) کرزن، جرج. ن. ۱۳۶۲، ایران و قضیه ایران. ترجمه وحید مازندرانی [تهران]: علمی فرهنگی. ۲ ج.
- ۱۴) گوینو، ژوزف آرتور دو. ۱۳۸۳، سه سال در آسیا یا سفرنامه کنت دو گوینو. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی [تهران]: نشر قطره.
- ۱۵) مالکم، سرجان. ۱۳۶۲، تاریخ ایران. ترجمه میرزا حیرت [تهران]: دنیای کتاب. ۲ ج.
- ۱۶) موریه، جیمز. ۱۳۸۶، سفرنامه جیمز موریه. برگردان ابوالقاسم سری [تهران]: توس.
- ۱۷) ویلس، چارلز جیمز. ۱۳۶۶، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجار. ترجمه سید عبدالله. به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام [تهران]: طلوع.